فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال ششم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۵، صص ۷۵-۴۳

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۶۰۳۰۳

امپریالیسم زبانی یا زبان امپریالیسم: ضرورت مواجهه با هژمونی زبان انگلیسی در کشورهای اسلامی

منیرالسادات حسینی[1]
دکتری آموزش زبان انگلیسی و مدرس دانشگاه پیام نورمرکزتهران جنوب

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۶/۰٤ **تاریخ پذیرش:** ۱۳۹۵/۰۸/۰۷

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چکیده

در عصر جهانی شدن، گسترش جهانی زبان انگلیسی مخصوصاً از طریق آموزش زبان انگلیسی، به عنوان یکی از بحث بر انگیزترین موضوعات در رشته زبان شناسی کاربردی و مسائل سیاسی مطرح بوده است. با در نظر گرفتن اهمیت این تغییر محتوایی در زبان شناسی کاربردی که موجب گسترش جهانی زبان انگلیسی و جریان آموزش زبان انگلیسی به عنوان یک پدیده ذاتا مشکل آفرین و هژمونی شده است و همچنین با عنایت به وجود تفاوت های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و ایدئولوژیکی بین کشورهای اسلامی و کشورهای انگلیسی زبان مانند آمریکا و انگلیس، تحقیق حاضر به بررسی وضعیت زبان انگلیسی و آسیب شناسی زبان در ایران به عنوان یکی از کشورهای جهان اسلام پرداخته است تا بر اساس تحقیقات گذشته و مطالعات انجام شده در این زمینه راهکارهایی در خصوص جلوگیری از آسیب های اجتماعی- سیاسی ناشی از هژمونی زبان از طریق آموزش غلط زبان انگلیسی در قالب مفهوم امپریالیسم زبانی ارائه نماید. تحقیقات گذشته نشان داده است که امپریالیسم زبانی موجب بروز آسیب های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ایدئولوژیکی در جوامع هدف از جمله کشورهای جهان اسلام شامل کشور ایران شده است و حل آن مستلزم انجام تحقیقات گسترده میدانی در این زمینه است. تلفیق دستگاههای اجرایی در برنامه ریزی های آموزشی زبان و ارائه چشم انداز جهانی و ملی با در نظر گرفتن این موضوع می تواند راهکار موثری در جلوگیری از نفوذ سیاسی- فرهنگی غرب به کشورهای اسلامی و مواجهه با هژمونی زبان انگلیسی در این کشورها باشد. تصمیم گیرندگان سیاسی و آموزشی کشور می توانند با برعکس کردن این روند، به جای اجازه دادن به تزریق فرهنگ و عقاید غرب با استفاده از آموزش زبان انگلیسی و با استفاده از ترفند خودشان و ایجاد روندی جدید و حساب شده از طریق آموزش زبان انگلیسی و اعزام مبلغین اسلامی آشنا با این زبان به صادر کردن فرهنگ ناب اسلامی - ایرانی از طریق زبان انگلیسی به کشورهای هدف بپردازند. در ضمن نویسنده با استفاده از تجربیات کسب شده در طول تدریس به این نتیجه رسیده است که در آموزشگاه های زبان انگلیسی و دانشگاههای کشور می توان با استفاده از میل به یادگیری زبان انگلیسی یادگیرندگان آنان را تشویق به اشاعه فرهنگ ملی و اسلامی در حین یادگیری زبان انگلیسی نمود.

واژه‌های کلیدی: امپریالیسم زبانی، هژمونی زبان انگلیسی، آسیب شناسی اجتماعی - سیاسی زبان، جهانی شدن، جهان اسلام

1. ho.mahmonir@yahoo.com

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

مقدمه

در عصر جهانی شدن، گسترش جهانی زبان انگلیسی به ویژه از طریق بحث روش‌های «آموزش زبان انگلیسی» به عنوان یکی از بحث برانگیزترین مسائل در زمینه زبان شناسی کاربردی شناخته شده است. یکی از فاکتورهای اجتماعی جهانی شدن، آشنایی با زبان انگلیسی به عنوانیک زبان بین المللی است. بر پایهٔ نظریه نسبیت زبانی، با یادگیری زبان انگلیسی بخش عظیمی از فرهنگ انگلیسی- آمریکایی در سطح دنیا اشاعه می‌یابد که این خود ابعاد هم مثبت و هم منفی همچون افزایش بیداری و هوش فرهنگی و تبعات منفی نظیر ازخودبیگانگی زبان آموزان را به دنبال دارد (آقا گل زاده و داوری، ۱۳۸۹). از طرفی دیگر زبان انگلیسی به عنوان یک زبان جهانی، پیش نیازی برای شرکت در محافل علمی، ورود به بازار کار جهانی، تعاملات اجتماعی و اقتصادی و یا ورود به دانشگاه‌های معتبر کشورهای مختلف و انجام بسیاری از امور اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بین المللی است. با این حال، از نظر سیاسی، یادگیری زبان یک امر خنثی و بی حاشیه نیست. حرفه آموزش زبان، می‌تواند وجهه‌ای از واقعیت امپریالیسم زبانی قلمداد شود و به عنوان یک ابزار تهاجم فرهنگی، عمل نماید که این ویژگی در راستای ایدئولوژی عالی امام خمینی (ره) در گنجاندن زبان انگلیسی در سرفصل‌های آموزشی مدارس و دانشگاه‌ها نمی‌باشد. رهبر انقلاب نیز در دیدار با معلمان درباره روند فراگیر شدن زبان انگلیسی در کشور هشدار دادند: «متأسفانه در برخی مواقع بجای ترویج زبان فارسی، زبان انگلیسی ترویج می‌شود.» ایشان خاطرشان کردند: این موضوع به معنای مخالفت با یادگیری زبان خارجی نیست بلکه بحث اصلی، ترویج فرهنگ بیگانه در کشور و در میان کودکان، نوجوانان و جوانان است. ایشان با تأکید بر اینکه کشورهای دیگر برای مقابله با ترویج زبان و فرهنگ بیگانه برنامه دارند، گفتند: متأسفانه در کشور ما برای مقابله با این موضوع برنامه خاصی وجود ندارد و میدان را برای گسترش فرهنگ بیگانه باز گذاشته‌ایم. به فرموده رهبرمعظم انقلاب: «در شرایطی که آنها اجازه ترویج زبان فارسی را نمی‌دهند، ما زبان و فرهنگ آنها را ترویج می‌کنیم.» حضرت آیت الله خامنه‌ای خاطرنشان کردند: این سخنان به معنای تعطیل کردن آموزش زبان انگلیسی در مدارس نیست، بلکه بحث اصلی این است که بدانیم با چه حریفی مواجه هستیم و طرف مقابل چه برنامه ریزی‌های دقیقی برای تأثیرگذاری بر نسل آینده کشور دارد.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

از آنجایی که منابع فرهنگی و معنوی، مهم‌ترین منبع توانمندی و مزیت جوامع اسلامی است، تهدیدهای نرم‌افزاری نسبت به سایر تهدیدها از اهمیت و حساسیت بیشتری برخوردار است و شکست و بحران در حوزه فرهنگی، به منزلهٔ اختلال در حوزه‌های مختلف حیات یک جامعه است. زیرا مهم‌ترین تکیه‌گاه و نقطهٔ ثقل همبستگی، وحدت، هویت ملّی و علّت وجودی کشورهایی نظیر کشورهای مسلمان، به ماهیت فرهنگ و ساختار اعتقادی ایشان باز می‌گردد و با از بین رفتن این زنجیرهٔ همبستگی و هویت ملّی، بقای دولت‌ها دیگر موضوعیتی نخواهد داشت.

با توجه به ضعف رسانه‌های کشورهای اسلامی و نبود زیرساخت‌ها و برنامه‌ریزی‌های مناسب فرهنگی در جامعه اسلامی از یک سو، و وجود رسانه‌ها و ابزارهای متعدد فرهنگی در عصر جهانی شدن فرهنگ غربی با توجه به سلطه نظام سرمایه‌داری در جهان از سوی دیگر، شاهد زوال سبک زندگی، هویت و فرهنگ اسلامی جوامع اسلامی از جمله ایران هستیم و اگر برای مقابله با تهدیدها و اختلال‌های پدید آمده در جامعه اسلامی، برنامه‌ریزی در سطوح و بخش‌های مختلف انجام نشود، این روند تشدید می‌شود و به ایجاد مشکلات بیشتر می‌انجامد. یکی از چالش‌های پیش روی آموزشی در کشورهای اسلامی راه مقابله با هژمونی فرهنگی از طریق نفوذ روش‌ها و سبک‌های نوین آموزش زبان انگلیسی مطابق با روش‌های ارائه شده از سوی کشورهای انگلیسی زبان است. عمده‌ترین جوامع هدف این دولت‌های قدرت طلب، کشورهای جهان اسلام بخصوص در منطقه خاور میانه است که جامعه گسترده‌ای از مسلمانان را در خود جا داده‌اند و از طرفی هم متاسفانه زبان انگلیسی به عنوان زبان خارجی در این کشورها آموزش داده می‌شود که بواسطه بیگانگی با آن هر گونه آموزش منفی اثر گذار خواهد بود.

با توجه به اینکه امروزه بالاجبار رشد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورها در گرو تعامل با جهان از طریق گلوگاه یک زبان مشترک امکان پذیر است، یادگیری زبان انگلیسی یک امر اجتناب ناپذیر و ضرورت محسوب می‌شود و از آنجا که در همین کشورها راهکارهای از پیش تعیین شده و کارشناسی شده در زمینه یادگیری زبان وجود نداشته است، ارائه شیوه‌های به اصطلاح نوین و کارساز از سوی کشورهای مبدأ تبدیل به راه نفوذ بیگانگان در درون این کشورها شده است و اینگونه هژمونی زبان انگلیسی در کشورهای اسلامی آغاز شده و اگر

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

برای آن چاره اندیشی نشود در آینده‌ای نه چندان دور شاهد غرب زدگی و تهاجم گسترده فرهنگی از طریق جنگ سرد و نرم افزاری خواهیم بود.

در باره جهانی شدن مطالب بسیاری نوشته شده است. جهانی شدن، بدون شک، به عنوان یکی از ویژگی‌های تعریفی عمده از جامعه مدرن واکنش‌های مختلف و گاه متضادی را در ناظران بسته به نظرات و اعتقاداتشان بر انگیخته است. از یک طرف، به عنوان یک راه موذی برای نفوذ به فرهنگ‌ها، سنت‌ها و جوامع منجر به اتخاذ یک نگرش خصمانه می‌شود، و از سوی دیگر، آن را به عنوان واقعیتی گریزناپذیر برای رسیدن به تمدن که منتج به اتخاذ مواضع مختلف و نگرش مطلوب می‌شود می‌دانند.

در حالیکه جهانی شدن در ابتدای راه است، بخاطر موقعیت، اهمیت و تأثیر به سزای آن بر جوامع، مطالب زیادی درباره جهانی شدن، علل و معلول آن، و تاثیرات آن بر حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و آموزشی نوشته شده است (قهاری، ۱۳۹۲). روشن است که زبان به عنوان ابزار اصلی تعامل انسان‌ها از این قاعده مستثنی نیست و نقش مهمی در ایجاد این موقعیت‌ها و تاثیرات آن دارد.

در این عصر، یک زبان واحد، یعنی زبان انگلیسی، جهان را به گونه‌ای محاصره کرده است که برای بسیاری مفهوم جهانی شدن همزمان با ظهور این زبان آغاز شده است(پنی کوک[1]، ۲۰۰۷). بنابر این جای تعجب نیست که در پرتو ارتباط جدایی ناپذیر زبان و جهانی شدن، واژه‌های «انگلیسی زبان جهان»، «انگلیسی زبان بین المللی»، و «انگلیسی زبان واحد» به گوشمان برسد (یلدریم و اوکان، ۲۰۰۵). با این حال، جهانی شدن و حضور همه جانبه زبان انگلیسی به عنوان یک پدیده مثبت و منفی، واکنش‌های زیاد و سؤالات متعددی را در حوزه آموزش زبان انگلیسی و زبان شناسی کاربردی در جوامع مختلف مخصوصاً کشورهای اسلامی بر انگلیخته است. طبق نظر ویلسون(۲۰۰۵) امروزه پدیده جهانی شدن یکی از بحث بر انگیزترین موضوعات زبان شناسی کاربردی در موضوعات سیاسی و آموزشی است.

در نتیجه چنین وضعیتی، موضوع فعلی آموزش و یادگیری زبان انگلیسی منتج به طرح سؤالات زیادی شده است که مستقیماً به بحث آموزشی صرف و نظریه‌های یادگیری محدود نمی‌شود. به عبارت دیگر، موقعیت منحصر به فرد زبان انگلیسی در جهان پیامدهایی را که

1. Pennycook

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

قابل مشاهده، تعریف، ارائه، یادگیری، و یاددهی است به همراه داشته است که منجر به وضعیتی شده است که از نقطه نظرهای ایدئولوژیکی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی همواره مورد بحث بوده است(فیلیپسون[1] ، ۲۰۰۹).

علاوه بر آن، اهمیت فزاینده و حضور رو به رشد زبان انگلیسی و کاربرد آن به عنوان زبان جهانی، زبان بین المللی، زبان عمومی یا زبان واحد، به جایگاه آن وزن و اعتبار ویژه‌ای بخشیده است. همچنین اشتیاق فوق العاده زیاد برای یادگیری این زبان تقریباً در تمام جوامع و افزایش جایگاه آن در عرصه‌های آموزشی نشانه‌های روشنی از اهمیت و حضور رو به رشد آن است. جای تعجب نیست که چنین موقعیتی منجر به بحث‌ها و چالش‌هایی در زمینه آموزش زبان انگلیسی به عنوان اصولی‌ترین روش گسترش زبان انگلیسی در سراسر جهان شده است. اکبری (۲۰۰۳)، با توجه به این وضعیت، معتقد است که گسترش زبان انگلیسی و تبدیل آن به زبان جهانی به رشته آموزش زبان انگلیسی مربوط می‌شود. در حالیکه در ابتدا گسترش زبان انگلیسی بخصوص از طریق آموزش زبان انگلیسی توسعه مطلوبی به شمار می‌رفت یا مزیت ابزاری محض از کشورهای انگلیسی زبان (مثل انگلیس و آمریکا) به کشورهایی که زبان انگلیسی زبان دوم است (مثل هند و سنگاپور) و کشورهایی که زبان انگلیسی به عنوان زبان خارجی فرا گرفته می‌شود (مثل کشورهای اسلامی و خاورمیانه) بود، در عین حال، برخی حساسیت‌ها، انتقادات و مقاومت‌ها منجر به مخالفت‌های نظری و نگرش‌ها و تئوری‌های انتقادی نسبت به آموزش زبان انگلیسی شده است. به عبارت دیگر، در میان اشتیاق فراوان به فراگیری زبان انگلیسی، ظهور برخی دیدگاه‌ها و نظریه‌های انتقادی برجسته در باره گسترش زبان انگلیسی از طریق آموزش آن روشنگری برخی دانشمندان، برنامه ریزان زبان، و متخصصان آموزش زبان و زبان شناسان کاربردی را بر انگیخته است.

همانطور که ذکر شد، شکی وجود ندارد که آموزش زبان انگلیسی تحت تأثیر تغییرات اساسی واقع شده و به ویژگی‌های سنتی، مشترک و یا جریان اصلی و نگرش‌های موجود در این زمینه محدود نمی‌شود(هالیدی[2] ، ۲۰۰۵). در پاسخ به این موقعیت بحرانی که به عنوان هشدار دهنده شناخته شده است، برخی دیدگاه‌های مخالف به نام مطبوعات آزاد ارائه شده‌اند. نتیجه این تلاش‌ها از نقطه نظر این نظریه، منتج به ایجاد زنجیره‌ای از نظریه‌ها و مواضع شده

1. Phillipson
2. Holliday

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

است که هر کدام دارای وزنه و اعتباری در این زنجیره هستند.

در این زنجیره از یک سو، فیلیپسون (۲۰۰۹) و سایر نظریه پردازان و دانشمندان شامل کاناگاراجا[1] (۱۹۹۹) و پنی کوک (۱۹۹۸ و ۲۰۱۰) قرار دارند که معتقدند گسترش جهانی زبان انگلیسی مخصوصاً از طریق سیاست جریان آموزش زبان انگلیسی یا به عبارت دقیق‌تر از طریق جریان آموزشی و عناصر تشکیل دهنده آن کم و بیش ادامه مستقیم شیوه‌های امپریالیستی یا هژمونیک است. باور مشترک این دیدگاه‌ها و نظریه‌ها این است که گسترش جهانی زبان انگلیسی ذاتاً مشکل آفرین بوده و مربوط به مسائل سیاسی و ایدئولوژیک گسترده‌تر است؛ و مهم‌تر اینکه شیوه‌های آموزش زبان انگلیسی نه همواره عاری از ارزش و نه همیشه از نظر فرهنگی، اجتماعی و آموزشی مناسب هستند.

انتهای دیگر این زنجیره به اصطلاح پژوهشگران و نظریه پردازان لیبرال از جمله گرادول[2] (۲۰۱۰) و جنکینس (۲۰۰۷) قرار دارند که اذعان دارند آموزش زبان انگلیسی در جریان خود که تاکید آن بر کشورهای انگلیسی زبان است ابزاری برای درک جهانی محسوب می‌شود. از نظر آنها، انگلیسی به عنوان یک وسیله خنثی برای برقراری ارتباط، ابزاری کاربردی برای مقاصد عملی محسوب می‌شود و فاقد هرگونه بار فرهنگی، سیاسی و ایدئولوژیکی است.

بر اساس آنچه تاکنون ذکر شد، روشن است که آموزش زبان انگلیسی نمی‌تواند مستقیماً و صرفاً به موضوعات آموزشی محدود شود، بنابراین مستلزم بررسی این موضوع از نقطه نظرهای فرهنگی، سیاسی و ایدئولوژیکی و همچنین جایگاه آموزشی است.

زاچاریاس (۲۰۰۳) و رانتا (۲۰۰٤) در این مورد استدلال می‌کنند که عقاید مربیان زبان انگلیسی و نگرش متخصصان آموزش زبان انگلیسی همگی در حوزه مطالعات آموزش زبان آشکار می‌شوند. در واقع عقاید و آگاهی آنها با توجه به نقش زبان انگلیسی در بافت محلی و جهانی نقش مهمی در ارائه آموزش‌های زبان انگلیسی بازی می‌کند و برای خود معلمان زبان، متخصصان، پزشکان و برنامه ریزان آموزش زبان انگلیسی در هر جامعه‌ای برای آگاهی از عقایدی که به آن عمل می‌کنند بسیار حائز اهمیت است.

اکنون از یک طرف، با تغییر نقش زبان انگلیسی و آموزش زبان انگلیسی و با افزایش ظهور انگلیسی و هنجارها و شیوه‌های آموزش آن در جوامع مختلف، و از طرف دیگر، با

1. Canagarajah
2. Graddol

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

نشان دادن اشتیاق وافر برای یادگیری زبان انگلیسی و همچنین افزایش آگاهی و مقاومت در برابر وضعیت موجود آن در کشورهای اسلامی، جامعه ایرانی از این قاعده مستثنی نیست.

طبق نظر جانسون[1] (۲۰۰۳) احتمالاً بارزترین نقطهٔ توسعهٔ زبان انگلیسی در دهه ۱۹۹۰ پذیرش این ایده بوده که آموزش زبان انگلیسی همیشه یک فعالیت عمیقاً سیاسی بوده و هست. در این مورد، اکبری (۲۰۰۸) با معرفی آموزش زبان انگلیسی بعنوان یک فعالیت آموزشی به شدت تاکید دارد که این امر همچنین فعالیتی است که با سیاست در آمیخته است. از نقطه نظر وی آموزش زبان انگلیسی و خود زبان انگلیسی مدت طولانی بعنوان صادرات خالص و امن و به عنوان ابزاری کاربردی برای برقراری ارتباط و انتقال پیامدهای اخلاقی ساده دیده می‌شدند. امروزه این درک وجود دارد که آموزش و گسترش زبان انگلیسی شامل مفاهیم اخلاقی پیچیده‌تری است.

طبق نظر ماتسودا (۲۰۰۶)، گسترش زبان انگلیسی و نقش آن به عنوان زبان بین المللی به طرز چشمگیری موجب پیچیده شدن شیوه آموزش زبان انگلیسی گردیده است زیرا لازم است اغلب مفروضات اساسی در این حوزه مجدداً ارزیابی شوند و دوباره چشم انداز زبان شناسی اجتماعی فعلی درباره زبان انگلیسی مجدداً رو در رو مورد مذاکره قرار گیرد. از نظر وی، این پیچیدگی که منجر به گسترش زبان انگلیسی شده است محدود به اشکال و نقش‌های زبان شناسی نبوده بلکه معضلات سیاسی و ایدئولوژیکی آن را نیز نمایان می‌کند و شامل مجموعه‌ای از سؤالات جدید درباره جنبه‌های آموزش زبان انگلیسی است که تا این اواخر تنها توجه محیطی را به خود جلب کرده است.

در چنین شرایطی، جریان اصلی آموزش زبان انگلیسی خودش را بعنوان یک فعالیت صرفاً آموزشی نمایان می‌کند و تنوع زبان انگلیسی را به صورت بومی گونه، مخصوصاً زبان انگلیسی آمریکایی و بریتانیایی، را عمومی می‌کند و از انگلیسی‌های جهانی غفلت و یا آنها را رد می‌کند و خودش را به عنوان تنها مرجع قانونی برنامه ریزی و تولید روش‌ها، منابع و برنامه‌ها معرفی می‌کند و همگنی فرهنگی و کالاهای آموزشی را که تحت تأثیر استانداردسازی جهانی از داخل دایره (کشورهای انگلیسی زبان) به حاشیه (سایر کشورها) هستند را تبلیغ می‌کنند و زیرکانه یادگیری زبان انگلیسی بومی را با درک جهانی یکسان می‌دانند (هینکل[2]

1. Johnston
2. Hinkel

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

، ۲۰۰۵). در مقابل، ظاهر فوق العاده برخی مواضع انتقادی عمدتاً به عنوان امپریالیسم زبانی شناخته شده است که به طور قابل توجهی جریان اصلی آموزش زبان انگلیسی را به چالش کشیده و پیچیده می‌کند.

بیان مسئله

ظهور زبان انگلیسی و گسترش آموزش زبان انگلیسی در سراسر جهان پیامدهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ایدئولوژیکی جدی در پی داشته است. بعلاوه، وضعیت موجود آموزش زبان انگلیسی در عصر جهانی شدن به مسائل صرفاً آموزشی محدود نمی‌شود.

وضعیت بی نظیر زبان انگلیسی و موقعیت در حال تغییر آموزش آن منجر به موقعیتی شده است که برای مطالعه و بحث از نقطه نظر ایدئولوژیکی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ضروری می‌نماید.

با این فرض این که نقش آموزش زبان انگلیسی به عنوان وسیله‌ای برای تحمیل باورها و ارزش‌های سرمایه داری غرب، زیر سؤال بردن ارتباط فرهنگی و اجتماعی و متناسب دانستن روشه ا و مطالب تولید شده توسط کشورهای انگلیسی زبان، تمرکز بر جنبه‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، و ایدئولوژیکی آموزش زبان، به چالش کشاندن اصول و پایگاه‌های آموزش زبان انگلیسی و ترویج تعلیم و تربیت انتقادی به عنوان یک روش جایگزین برای جریان اصلی تعلیم و تربیت شناخته شده است، نظریه امپریالیسم زبان شناسی در تلاش است تا خود را با شدت و قدرت آشکار کند.

اکنون همراه با حضور فزاینده زبان انگلیسی و اشتیاق وافر به آن و آموزش زبان انگلیسی در سراسر جهان، ظهور دیدگاهای انتقادی چشمگیر منجر به مقاومت‌ها و انتقاداتی به خود موضوع آموزش زبان انگلیسی شده است. چنین شرایطی از یک سو واکنش‌هایی را از سوی فعالان حوزه آموزش زبان انگلیسی برانگیخته است و از سوی دیگر آنها را به مطالعه و تحلیل تغییرات، چالش‌ها، تهدیدها و فرصت‌هایی که احتمالاً در آینده نزدیک تجربه می‌شوند مشغول کرده است.

با این وجود، در کشورهای اسلامی مخصوصاً کشور ایران که در جهان پایگاه جهان اسلام شناخته شده است جای شک نیست که هدف اصلی هژمونی فرهنگ غرب از طریق آموزشی

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

و القای تفکرات اندیشمندانه مدرن قرار گیرد. با این حال متاسفانه شاهد عدم وجود برنامه ریزی اساسی برای مواجهه با این هژمونی و تهاجم فرهنگی به صورت نرم و خاموش و نفوذ تدریجی از طریق روش‌های آموزشی هستیم. رشته‌های آموزش زبان انگلیسی و یا برنامه‌های هدف مند تعیین شده از سوی مؤسسات خارجی آموزش زبان و ورود آنها به مؤسسات آموزش زبان انگلیسی راه را برای این اهداف آماده ساخته است. اما به این معنی نیست که نتوان مقابل آن ایستاد بلکه می‌توان با سیاست گذاری و برنامه ریزی صحیح در روش‌های جدید آموزش زبان انگلیسی نه تنها از فرهنگ اسلامی و ایرانی در اشاعه زبان انگلیسی و محتوای آموزشی استفاده کرد بلکه می‌توان برای گسترش فرهنگ اسلامی و ایرانی نیز از این زبان استفاده بهینه کرد و جریان را به نفع منافع کشورهای اسلامی و ایران در جهان تغییر داد.

بنابر این، این اعتقاد وجود دارد که مطالعه و تحلیل نگرش‌ها و باورهای اساتید دانشگاه‌ها و متخصصان آموزش زبان انگلیسی درباره وضعیت موجود زبان انگلیسی و آموزش آن در بافت محلی و جهانی می‌تواند روشنگر باشد و تصمیم گیری و برنامه ریزی در حوزه آموزش زبان انگلیسی و حوزه‌های گسترده‌تر مانند سیاست زبان را آشکار کند. پیش از آن لازم است که با رابطه بین فرهنگ و زبان، وضعیت زبان انگلیسی در ایران به عنوان پایگاه جهان اسلام، مفهوم امپریالیسم زبانی و ارتباط سیاست و زبان مطالعات گسترده‌ای صورت گیرد تا بتوان از طریق اصولی و علمی به راهکارهای مناسب جهت انتفاع از این موقعیت درجهان اسلام به طور خاص و در کل جهان به طور عام دست یافت.

اساساً گسترش زبان غالب در هر گستره‌ای با پیامدهای مهمی همراه است که نمونه بارز آن را می‌توان در خصوص موضوع مهم و جنجال‌برانگیز زبان انگلیسی مشاهده نمود. به دلیل اهمیت چنین پدیده‌ای است که به طور خاص در دو دهه گذشته، شاهد نظریه‌پردازی‌ها، نقدها و طرح مباحثی جدی پیرامون این موضوع بوده‌ایم که شاهد بر این مدعا را می‌توان در ظهور دیدگاه‌هایی چون امپریالیسم زبان انگلیسی و یا هژمونی زبان انگلیسی (احمدی پور، ۱۳۹۰) یافت. در این زمینه دیدگاههایی مطرح شده است که باورها و هنجارهای رایج در حوزه زبان شناسی کاربردی که آموزش زبان انگلیسی را شامل می‌شود به چالش کشیده است. در مقاله حاضر با توجه به اهمیت تاثیرات زبان انگلیسی بر نظام‌های زبانی و فرهنگی و همچنین سیستم آموزشی و خلق چالش‌های پیش رو برای سیاست گذاران و برنامه ریزان

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

زبانی، و همچنین فقدان تحقیقات زبان شناختی در این زمینه، ضمن واکاوی مساله گسترش زبان انگلیسی در قالب اهمیت آموزش زبان انگلیسی به رشد قارچ گونه آموزشگاه‌های آزاد و پیامدهای حاصل از عدم برنامه ریزی مدون و کارشناسی شده می‌پردازد. با توجه به اهمیت تعارض‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ایدئولویکی جامعه ایران با جوامع انگلیسی زبان از سویی و ضرورت تدوین برنامه کارشناسی شده در سطوح مختلف به خصوص در حوزه آموزش زبان انگلیسی به عنوان مهم‌ترین عامل گسترش زبان در ایران از سوی دیگر، به ارائه راهکارهای پیشنهادی بر اساس دیدگاه‌ها و رویکردهای مطرح به دور از هر گونه نگاه جانبدارانه و از منظر انتقادی می‌پردازیم. تدوین راهکارها و ارائه برنامه مدون در جهت هدف مند کردن آموزش زبان انگلیسی در جهت جلوگیری از تهاجم فرهنگی و ایجاد تعاملات فکری و عقلانی و ایجاد ارتباط جهانی و جهت معکوس دادن به ورود فرهنگ بیگانه و اشاعه فرهنگ ناب اسلامی و ایرانی از طریق یادگیری زبان و ایجاد ارتباط بین المللی مثبت از اهمیت خاصی برخوردار است که متاسفانه مغفول مانده است. دراین راستا لازم است که با دیدگاه‌ها و نگرش معلمان و کارشناسان و متخصصان فن در زمینه آموزش زبان انگلیسی آشنا شد و با نظر ایشان به دور از مسائل جانبدارانه و بحث‌های تجاری اینگونه آموزشگاه‌ها آشنا گردید و از تجربیات ایشان برای برنامه ریزی و هدف مند کردن آموزش زبان انگلیسی استفاده نمود. به علاوه از آنجا که بحث یادگیری زبان انگلیسی با عوامل روانشناسی آموزش نیز همراه است می‌بایست از منظر روانشناسی آموزشی نیز به قضیه نگاه کرد. اما در تحقیق حاضر نکته اصلی نقش سیاسی و هژمونیک آموزش زبان انگلیسی است که موجب شده است تا بحث‌های اصلی مغفول مانده و هدف اصلی آموزشی زیر سؤال برود.

رابطه بین فرهنگ و زبان

آگاهی از رابطه نزدیک میان فرهنگ و زبان همواره نزد زبان آموزان، مربیان و معلمان زبان و به طور کلی حوزه آموزش زبان انگلیسی از اهمیت خاصی برخوردار بوده است(گومرز[1]، ۱۹۹۶) به گونه‌ای که فرهنگ را یکی از تاثیرگذارترین عوامل در آموزش زبان به ویژه آموزش زبان‌های خارجی به افراد غیر زبانی از جامعه هدف می‌شناسند(تفرشی و رمضانی، ۱۳۹۱).

1. Gumperz

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

در جامعه شناسی دو تعریف از فرهنگ شده است: نخست اینکه در مقابل بربریت و به معنای متمدن بودن به کار می‌رود. بر اساس تعریف دیگر، فرهنگ به دانش ما از جهان اطلاق می‌شود. در تحقیق حاضر تعریف اول مد نظر است که گیدنز[1] (۱۹۹۸) آن را اینگونه توصیف کرده است: «فرهنگ الگوی در هم تنیده‌ای از رفتار انسان است که شامل افکار، ارتباطات، زبان، عادات، باورها، رسوم، ارزش‌ها، آداب احترام، تشریفات مذهبی، شیوه تعامل و نقش‌ها، روابط و رفتارهای مورد انتظار از یک گروه نژادی، قومی، مذهبی یا اجتماعی و توانایی انتقال این موارد به نسل‌های بعدی است».

رابطه بین زبان و فرهنگ را نخستین بار ساپیر[2] و ورف[3] در دهۀ ۱۹۵۰ با عنوان نظریه نسبیت زبانی مطرح کردند. طبق این نظریه، رابطه فرهنگ و زبان یک رابطه متقابل است به گونه‌ای که با یادگیری یک زبان بخش عظیمی از فرهنگ متعلق به آن نیز به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه به فرد مقابل انتقال می‌یابد(کمپل[4]، ۱۹۹۷).

مطالعات زیادی در زمینه نقش و اهمیت فرهنگ در یادگیری زبان چه در داخل و چه در خارج از جامعه زبانی هدف انجام شده است. مطالعات نشان می‌دهد که تعاملات فرهنگی چه به صورت مهاجرت به کشورهای دیگر و چه به صورت یادگیری زبان بیگانه در کشور مبدأ عمدتاً به تغییر ساختار فرهنگی فرد در اشکال مختلف مثبت و منفی آن از جمله سازگاری فرهنگی، فرهنگ پذیری، شوک فرهنگی، آسیب فرهنگی، دوگانگی فرهنگی، وابستگی یا بیگانگی فرهنگی می‌انجامد(اُنیل[5]، ۲۰۰۵؛ وارداف[6]، ۲۰۰۲). آنچه مسلم است، آگاهی فرهنگی و آشنایی با ارزش‌ها و ساختار فرهنگ‌های دیگر تنها به نتایج مثبت و دلخواه فرد یا جامعه ختم نمی‌شود.

بیگانگی فرهنگی به مفهوم عام آن، از مفاهیمی است که در تاریخ تفکر اجتماعی قدمت و سابقۀ طولانی دارد، به گونه‌ای که ریشه‌های آن را می‌توان در تاریخ فلسفه، مذهب و ادبیات کهن مشاهده کرد. اما شاید بتوان هگل و مارکس را نخستین اندیشمندانی به شمار آورد که

1. Giddens
2. Sapir
3. Whorf
4. Campbell
5. O'Neil
6. Wardhaugh

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

به بحثی فلسفی و گسترده در باب مفهوم بیگانگی پرداخته‌اند. آنچه آن‌ها عامل اصلی بروز بیگانگی در فرد می‌دانند، پیدایش جامعهٔ طبقاتی و ازمیان رفتن بسته‌های متقابل طبیعی میان مردم است.

محسنی تبریزی(۱۳۸۱: ۱۳۲) بیگانگی یا انزوای ارزشی را این گونه تعریف می‌کند:

«انفصال فرد از نظام ارزش‌ها، باورها، هنجارها، اهداف فرهنگی که نهایتاً به انفعال، بی علاقگی و عدم اشتراک اجتماعی – سیاسی می‌انجامد. امروزه کاربرد مفهوم بیگانگی در مباحث جامعه شناسی و روان شناسی به نحو بارزی متنوع و متفاوت است و از مطالعهٔ تضادها و کشمکش‌ها و بدبختی‌ها در زندگی شخصی تا تحلیل نا آرامی‌های دانشجویی و طغیان نسل جوان و نیز از دیکتاتوری کارگری تا ظهور فاشیسم و نازیسم را در بر می‌گیرد.»

تحقیقات انجام شده بیانگر آن است که فارغ از نوع نگرش و جهت‌گیری فکری در بین صاحبنظران، این باور مشترک وجود دارد که در عصر حاضر با توجه به اهمیت زبان انگلیسی در سیستم‌های آموزشی و تاثیرگذاری‌های خاص آن در حوزه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و آموزشی، لازم است تا این امر در هر جامعه‌ای متناسب با شرایط سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و آموزشی خود مورد توجه قرار گیرد به نحوی که در قالب سیاست یا برنامه‌ای مدون و کارآمد به آن بپردازند. فیلیپسون(۲۰۰۹) صریحاً اذعان می‌نماید که زبان انگلیسی در دنیای کنونی به عاملی تبدیل شده است که بایستی در سیاست‌های زبانی هرجامعه‌ای بدان توجه خاص گردد. نونان[1] (۲۰۰۳) تبدیل زبان انگلیسی به زبانی جهانی را موضوعی می‌داند که بر هر گونه سیاست‌گزاری و برنامه‌ریزی زبانی در هر جامعه‌ای به نحوی جدی تاثیرگذار است.

آموزش زبان انگلیسی یا امپریالیسم زبانی

حداقل از دو دهه پیش، پژوهش‌های بسیاری در این زمینه، مخصوصاً آثار سوء یادگیری بدون برنامهٔ زبانی مدون نوشته شده است. ظهور اصطلاحاتی چون «امپریالیسم زبان انگلیسی» نیز تحت تأثیر همین فضا بوده است. «رابرت فیلیپسون»، زبان‌شناس انگلیسی در کتاب خود با عنوان «امپریالیسم زبانی»، در کنار اشکال دیگر استعمار کشورها چون امپریالیسم اقتصادی،

1. Nunan

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

فرهنگی، سیاسی و...، از امپریالیسم زبان انگلیسی نیز به‌عنوان شکل نوینی از استعمار در دوران حاضر یاد می‌کند. از نظر او، ترویج زبان انگلیسی توسط دو کشور آمریکا و انگلیس در سایر کشورها، به‌منزلهٔ «نفوذ و استیلا» یافتن در آنها به شکلی نرم و آرام است. از نظر فیلیپسون، ترویج زبان انگلیسی از طرفی موجب افزایش منافع غرب در کشورها شده و از طرفی دیگر، فرهنگ‌ها و زبان‌های ملی و محلی را در بلندمدت به سمت تضعیف یا نابودی پیش می‌برد. «هر جا انگلیس‌ها وارد شدند، زبان مردم بومی را تبدیل کردند به انگلیسی؛ اگر زبان رقیبی وجود داشت، آن را از بین بردند. در شبه‌قاره‌ی هند، زبان فارسی چند قرن زبان رسمی بود؛ کلیه مکاتبات دستگاه‌های حکومتی، دولتی، مردمی، دانشوران، مدارس عمده، شخصیت‌های برجسته، با زبان فارسی انجام می‌گرفت. بعد از ورود انگلیسی‌ها به شبه قاره هند، زبان فارسی را با زور در هند ممنوع کردند و به جای آن زبان انگلیسی را رایج کردند (فیلیپسون، ۲۰۱٤).

جواهر لعل نهرو در کتاب خود با عنوان «نگاهی به تاریخ جهان»، به همین موضوع اشاره می‌کند که چگونه تبلیغ و آموزش زبان انگلیسی توسط عمال این کشور در هند، موجب به وجود آمدن طبقه‌ای جدید در این کشور شد که با مردم خود هیچ ارتباطی نداشت. او چنین می‌نویسد: «آموزش انگلیسی در هند هدفش پرورش کارمندان اداری و در عین حال، آشنا ساختن هندیان با جریان‌های فکری غرب بود. در نتیجه یک طبقه‌ی جدید در هند به وجود آمد. طبقه‌ای که آموزش زبان انگلیسی یافته بود. این طبقه هرچند تعدادش محدود بود و با توده‌های مردم هم تماس و ارتباط نداشت اما بالاخره رهبری نهضت‌های ملی تازه را عهده‌دار گردید.»

شاید به همین دلیل بود که دولت چین، در سال ۲۰۱۰، کاربرد زبان انگلیسی را در رسانه‌های دیداری و مجازی چین ممنوع اعلام کرد. دولت چین، سیاست جدید خود در این‌باره را اینگونه توضیح داد که استفاده از زبان انگلیسی و مخلوط شدن انگلیسی با زبان چینی به سرعت در حال تخریب اصالت زبان چینی است و به شدت به ارزش‌های فرهنگی و سنتی ملت چین حمله کرده است. حتی «بعضی از کشورهای اروپائی هم نگذاشتند زبان انگلیسی تبدیل شود به زبان علمی آنها – مثل فرانسه و آلمان – این‌ها زبان خودشان را به عنوان زبان علمی در دانشگاه‌هایشان حفظ کردند. نظیر چنین موانعی را بر سر زبان فارسی

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

نیز ایجاد کرده‌اند «زبان» را می‌توان یکی از پایه‌های اصلی هر فرهنگ و تمدنی تلقی کرد. بنابراین انتقال زبان از کشوری به کشور دیگر، به‌مثابه «انتقال فرهنگ» به آن کشور است. اکنون آموزش زبان انگلیسی در کشورهای جهان اسلام خیلی رواج پیدا کرده است و آموزشگاه‌های فراوانی به‌وجود آمده‌اند. همهٔ کتاب‌های آموزشی با شیوه‌های جدیدی تهیه شده و به طرز نامحسوسی منتقل‌کنندهٔ سبک زندگی غربی هستند. طبیعی است که زبان آموزی که این مطالب را درخلال یادگیری زبان می‌خواند، فقط زبان یاد نمی‌گیرد؛ بلکه بیشتر تحت تأثیر مطالب و فضای آموزشی قرار می‌گیرد. و از اینجا تهاجم فرهنگی شکل می‌گیرد. علاقه به یادگیری زبان بخاطر نیاز اجتماعی، علمی و یا ارتباطی به ویژه در عصر گسترش تکنولوژی که لزوم استفاده از اینترنت را که عمدتاً به زبان انگلیسی است در بردارد عموم را به اهمیت یادگیری زبان انگلیسی واقف کرده است. می‌توان گفت که اینترنت و ارتباطات دهکده جهانی نیز نمود بارز امپریالیسم زبانی است که بواسطه آن ضرورت یادگیری زبان همواره به طور نامحسوس به عالمیان گوشزد می‌شود. ما باید از این نیاز و موقعیت بهره برداری کافی و وافی را ببریم و بجای حذف آن، برنامه هدفمند کردن یادگیری زبان با شیوه‌های نوین و مؤثر و خنثی کننده را در برنامه‌های آموزشی بگنجانیم.

دهه ۱۹۹۰ را می‌توان به عنوان سنگ‌بنای شکل‌گیری دیدگاه‌های برجسته انتقادی درخصوص موضوع گسترش زبان انگلیسی و پیامدهای آن برشمرد که به اردوگاه فکری در حوزه زبان‌شناسی کاربردی تبدیل شده است. اما در این بین از جمله رویکردهای انتقادی مطرح که سبب شده تا این موضوع به حوزه مطالعات مهمی در گستره زبان شناسی کاربردی تبدیل شود، دیدگاه امپریالیسم زبانی زبان‌شناس بریتانیایی روبرت فیلیپسون است که در سال ۱۹۹۲ با انتشار کتاب بحث برانگیزش با همین عنوان در حوزه مطالعات زبانی مطرح شد و به باور بسیاری و از جمله پنی کوک(۲۰۰۱، ۲۰۱۰)، جانسون(۲۰۰۳)، کاناگاراجا(۱۹۹۹) و هالیدی(۲۰۰۵) به نقطه عطفی در حوزه زبان‌شناسی کاربردی تبدیل شد.

جایگاه زبان انگلیسی در جهان امروز و کاربرد گستردهٔ آن، به این زبان جایگاه زبانی برای ارتباط بین المللی جهانی داده است. علاوه بر آن، این زبان در بین افراد یک کشور هم به کار می‌رود (مثلاً هندوستان) و بنابر این یک زبان بین‌المللی هم در سطح جهانی و هم در

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

سطح محلی است(مک کب[1]، ۱۹۸۵). موضوع بحث برانگیزتر این است که در میان زبان‌های استعماری دیگر، فقط زبان انگلیسی تا به حال قدرت اقتصادی و نظامی لازم برای تبدیل شدن به زبان بین المللی را داشته است(دیویس[2]، ۱۹۹۶).

تلاش‌هایی در جهت ایجاد گونه‌های دیگر زبان طبیعی شیک (مانند زبان بیسیک[3]، هسته‌ای[4]، و سودمندگر[5]) یا جنبش‌هایی شبیه کمپین زبان انگلیسی ساده(کریستال[6]، ۱۹۹۷)، جنبش زبان انگلیسی ساده ردیش[7](۱۹۸۵) یا انجمن انگلیسی خالص[8] شده است اما همه آنها دارای پایه و اساس انگلیسی بودند.

وقتی زبان انگلیسی به عنوان زبان بین الملل توصیف می‌شود، می‌توانیم روش‌های متفاوتی در ادبیات پیدا کنیم. اختلاف اصلی زمانی بوجود می‌آید که تنوع مختلف زبان انگلیسی و اشکال نوشته شده و گفته شده و کدهای کاهش یافته را در نظر بگیریم. زبان‌های ساختگی زیادی نیز برای ارتباط بین المللی به منظور مقابله با امتیاز داده شده به زبان مادری یک زبان طبیعی ابداع شدند. البته موفقت ترین آن‌ها در طول تاریخ زبان اسپرانتو[9] بود که زبان طبیعی گویشوران بسیاری بود. این زبان دارای مزیت ارتباط بین المللی معادل در شرایط یکسان بود و حتی دارای مزیت‌های یادگیری هم بود.

امپریالیسم زبان انگلیسی در جهان

از نظر بسیاری از پژوهشگران، موقعیت زبان انگلیسی در جهان تصادفی نیست. موضوع امپریالیسم زبانی در آثار بسیاری مخصوصاً در اواخر دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ مطرح شد. با این حال کتاب فیلیپسون(۱۹۹۲) به آن شهرت داد و هنوز هم در محافل علمی بحث داغ آن ادامه دارد. آژانس‌های حامی گسترش زبان انگلیسی به شکل‌های مختلف درک شده‌اند.

1. MacCabe
2. Davies
3. BASIC
4. Nuclear
5. Utilitarian
6. Crystal
7. Redish's Plain English Movement
8. Society for Puré English
9. Esperanto

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

مهم‌ترین نقاط عطف نقش امپراتوری بریتانیا در قرن‌های نوزدهم و بیستم و نقش آمریکا بعد از جنگ‌های جهانی اول و دوم بوده است. اهمیت داده شده به این اشکال از نویسنده‌ای به نویسنده دیگر متفاوت است.

از یک سو نویسندگانی نظیر کریستال(۱۹۹۷) معتقدند که زبان انگلیسی صرفاً «در زمان درست و در مکان درست» قرار داشته است(درج شده در کتاب فیلیپسون، ۲۰۰۰). اگرچه نوعی کنترل در پشت گسترش زبان انگلیسی در اولین حرکت استعماری وجود داشته است، اما از نظر کریستال اکنون این موارد وجود ندارد. به نظر می‌رسد هیچ خطر مطرح نشده است و علاوه بر آن، به عنوان یک اکسیر ارزان مقابل چند زبانگی ارائه شده است. از این نقطه نظر، افرادی که امروزه صحبت کردن به زبان انگلیسی را انتخاب کرده‌اند، این کار را آزادانه انجام می‌دهند.

از سوی دیگر، بسیاری با این نظر هولبارو موافق هستند که گسترش زبان انگلیسی به طور جدایی ناپذیری با ریشه‌های اقتصادی و اجتماعی در هم آمیخته باقی می‌ماند(هولبارو، ۱۹۹۲). نقشی که برخی کشورها از زمان پایان جنگ جهانی دوم ایفا کرده‌اند نیز از نظر هوربید[10] (۲۰۰۸) غیر قابل انکار است. در این راستا، اثر فیلیپسون نیز یک مطالعه عمیق دربارهٔ ارگان‌ها و دولت بود که به طور مستقیم یا غیرمستقیم گسترش زبان انگلیسی را حمایت می‌کردند(فیلپسون، ۲۰۰۰). علاوه بر آن، نویسندگانی مانند پنی کوک(۲۰۰۰) اهمیت آن را به میزان بسیار زیادی به مقاومت در برابر مخالفت با جنگ سوم کشورها نسبت می‌دهند. پیامدهای سیاسی و علل گسترش زبان انگلیسی که پنی کوک(۲۰۰۰) آن را «قدرت ساختاری زبان انگلیسی» می‌نامد، یک باور بلامنازع و یک نوع پنهان و ظریف امپریالیسم بود. از نظر این نویسندگان، یک سیستم آموزشی بهتر و شیوه‌های آموزشی موثرتر می‌تواند به شکل قابل ملاحظه‌ای به سهولت به رفع بسیاری از این مشکلات کمک کند. سیستم آموزشی می‌بایست حقوق انسانی زبانی را به رسمیت بشناسد و فرد را با واقعیتی که او را احاطه کرده است حساس و منتقد کند. کلمن[11](۲۰۱۰) تحلیل عمیقی از اشکال مختلف برنامه ریزی زبان در آموزش و ارتباط آن با محیط فراتر از مدرسه ارائه کرده است.

به باور فیلیپسون، امپریالیسم زبان انگلیسی در دنیایی که جهانی‌شدن را تجربه می‌کند،

10. Horibe
11. Coleman

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

تداعی‌کننده گسترش فزاینده زبان انگلیسی در حوزه رسانه، آموزش، سیاست و علم است که عمدتاً محصول سیاست زبانی هدفمند و هوشیارانه کشورهای موسوم به مرکز یعنی به طور خاص ایالات متحده و بریتانیا با هدف گسترش نفوذ و استیلای خود در دیگر جوامع یعنی جوامع غیرانگلیسی زبان موسوم به حاشیه است. از منظر وی، امپریالیسم زبان انگلیسی اولین تلاش در راستای کشف و بررسی چگونگی و چرایی گسترش این زبان و مطالعه پیامدها و آثار آن بر پایه بنیان‌های نظری و در قالب مطالعه‌ای چندرشته‌ای است.

مبدع این نظریه متأثر از نظریه امپریالیسم گالتونگ[1](۱۹۷۱) که به شش نوع امپریالیسم در هم‌تنیده یعنی امپریالیسم‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی، ارتباطی، فرهنگی و اجتماعی قائل بوده است، به طرح امپریالیسم زبانی به مثابه نوعی از امپریالیسم که به نحوی در همه شش نوع امپریالیسم نفوذ داشته می‌پردازد که در دنیای جهانی شده امروز در سطحی کلان بیش از پیش در خصوص زبان انگلیسی موضوعیت یافته است. به باور وی در دنیای حاضر و در گستره جهانی، گسترش هدفمندانه و هوشمندانه زبان انگلیسی در سایه تلاش‌ها و سیاست‌گزاری‌های کشورهای مرکز، تأمین کننده منافع و خواسته‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و ایدئولوژیکی گفتمان غالب غرب است که در راستای همگون‌سازی جهانی فرهنگ، در گام نخست به تضعیف زبان‌های ملی و محلی و نیز به نحوی هویت ملی و میراث‌های فرهنگی و اجتماعی می‌انجامد که از سویی به وابستگی کشورهای حاشیه در ابعاد مختلف دامن می‌زند و از سوی دیگر تأمین کننده منافع کشورهای مرکز است. فیلیپسون بر این باور است که در سایه گسترش زبان انگلیسی که در دهه‌های اخیر تا حد قابل توجهی ماحصل مقوله امپریالیسم زبان انگلیسی بوده است، این زبان به نوعی هژمونی فراگیر دست یافته به نحوی که بسیاری از جوامع بدون درنظرگرفتن ماهیت و پیامدهای آن رضایتمندانه به استقبال این زبان و پذیرش گفتمان‌های مرکزمحورانه آن رفته‌اند. در باور وی و افرادی چون تسودا[2](۲۰۰۲، ۲۰۱۰)، پنی‌کوک(۲۰۰۱)، دوا[3](۱۹۹٤) و مسدو[4] و دیگران(۲۰۰۳)، هژمونی این زبان در سطح کلان با تغییر نگرش‌ها با به حاشیه رانده شدن زبان‌های بومی، ملی و محلی

1. Galtung
2. Tsuda
3. Dua
4. Macedo

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

همراه شده و خطری برای تنوع زبانی و فرهنگی در عرصه جهانی است که به عنوان نمونه به طور خاص در حوزه آموزش این زبان کاملاً نمود دارد.

از منظر فیلیپسون، امپریالیسم زبانی به مثابه نمونه‌ای شاخص از امپریالیسم فرهنگی با امپریالیسم رسانه‌ای(رسانه‌های خبری، نظم جهانی اطلاعات و ارتباطات)، امپریالیسم آموزشی (صدور معیارها و ضوابط آموزشی، تربیت مدرسین، تأمین منابع و کتاب‌های درسی و نیز حمایت نهادها و موسسه‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی هم چون انجمن فرهنگی بریتانیا، سفارتخانه‌ها، بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و...) و امپریالیسم علمی (اشاعه الگوها و روش‌های علمی مرکز که به نحوی کنترل‌کننده جریان دانش در کشورهای حاشیه در راستای خواست و اراده کشورهای مرکز می‌باشد) همراه شده است.

وی در تعریف امپریالیسم زبان انگلیسی آن را نوعی استیلای این زبان در نتیجه تثبیت و تداوم نابرابری‌های ساختاری (مادی) و فرهنگی (غیرمادی) بین زبان انگلیسی و دیگر زبان‌ها معرفی می‌کند. مراد وی از ساختاری همانا تخصیص امکانات و کمک‌های هدفمند مادی و از آن جمله نقش آفرینی نهادها و سازمان‌های فعال در حوزه گسترش زبان انگلیسی هم چون بانک جهانی و انجمن فرهنگی بریتانیا و تعریف وی از فرهنگی، ناظر به ارائه و تبلیغ نگرش‌ها و اصول آموزشی‌ای است که از سوی جوامع مرکز در راستای گسترش زبان انگلیسی و به طور خاص در بعد آموزش به کشورهای غیرانگلیسی زبان حاشیه عرضه می‌گردد.

به اعتقاد فیلیپسون از آنجا که حجم قابل توجهی از این امپریالیسم به دوش آموزش این زبان نهاده شده است، ضمن تاکید بر این نکته که ارتقای زبان انگلیسی در قالب یک ابزار آموزشی از جمله اهداف سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کشورهای مرکز است، به معرفی دو ساز و کار در خصوص برنامه‌ریزی این زبان می‌پردازد که یکی معطوف به محوریت زبان و فرهنگ انگلیسی و دیگری معطوف به دانش و مهارت آموزشی است.

زبان انگلیسی در ایران

بر پایه تقسیم‌بندی رایج در ادبیات انتقادی، جامعه ایران را می‌توان جامعه‌ای حاشیه نامید که زبان انگلیسی در آن کماکان به عنوان یک زبان خارجی و نه زبان دوم شناخته می‌شود، درست مانند سایر کشورهای جهان اسلام مخصوصاً در خاور میانه. به دلیل کاربرد این زبان

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

به عنوان زبانی خارجی در کشورهای جهان اسلام طبیعی است که عمده مواجهه جامعه با آن از طریق آموزش آن در نظام رسمی و غیررسمی باشد و از این رو عمده تلاش‌ها در خصوص سیاست‌گزاری و برنامه‌ریزی زبانی بایستی به جنبه آموزشی این زبان معطوف گردد.

به طور کلی در کشور ایران، به عنوان پایگاه اصلی جهان اسلام از دید امپریالیسم، زبان انگلیسی نه به عنوان زبان دوم بلکه به عنوان زبان خارجی و در دوره‌های آموزش عمومی در سال‌های میانی آموزشی گنجانیده می‌شود که می‌بایست به پیامدهای آن نگاه ویژه داشت. در کشورهایی مانند هند، پاکستان، و مالزی زبان انگلیسی به عنوان زبان دوم در دوران ابتدایی آموزشی در کنار زبان مادری گنجانده می‌شود و به این ترتیب کودکان از ابتدا با خود زبان آشنا می‌شوند و به مرور زمان در کنار زبان مادری می‌آموزند که چگونه با دنیای بین الملل ارتباط برقرار کنند در حالیکه در کشورهایی مانند ایران و کشورهای عربی، زبان انگلیسی به عنوان زبان خارجی آموخته می‌شود که از دوران میانی آموزش عمومی در دروس گنجانده می‌شود و این امر باعث می‌شود که دانش آموزان با این زبان ارتباط برقرار نکنند و به سختی مسائل غیرمرتبط زبانی را بیاموزند که متاسفانه به دلیل دشوار بودن یادگیری زبان دیگر در این سنین به حواشی آن توجه می‌کنند و در اینجا است که تهاجم فرهنگی رخ می‌دهد. زیرا به دلیل ناتوانی در ایجاد ارتباط فکری و عقلانی، به ظواهر و آداب و رسوم کشورهای انگلیسی زبان توجه می‌کنند و در این زمان آماده پذیرش فرهنگ بیگانه در جهت همزاد نمایی و یکسان سازی در رویه فرهنگی با کشور انگلیسی زبان دارند زیرا به جای یادگیری زبان به عنوان ابزار ایجاد انتقال افکار و عقاید و یا اشاعه فرهنگ خودی به دیگر کشورها، در یادگیری زبان به ابزاری از جمله فیلم، نوار، موسیقی و یا ابزار انتقال فرهنگ غیر به ایران استفاده می‌کنند تا بتوانند هر چه سریع‌تر این زبان را بیاموزند و برای اثبات یادگیری این زبان و یکسان سازی با کشورهای انگلیسی زبان به جای تفکر و ایجاد ارتباط علمی و فرهنگی در جهت مثبت به ظاهر سازی و یکسان سازی ظاهری و پذیرش فرهنگ بیگانه می‌پردازند. این است که آموزش زبان انگلیسی تبدیل به ابزاری برای تهاجم فرهنگی و نفوذ امپریالیسم زبانی به عنوان ابزاری جهانی شدن در فرهنگ و افکار جوانان و نوجوانان شده است.

در این راستا و با توجه به ضرورت یادگیری زبان انگلیسی و رویه نادرست آموزش آن در سیستم آموزشی، مؤسسات متعددی با هدف تجاری پا درعرصه ظهور گذاشته‌اند که

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

بدون گزینش صلاحیت اخلاقی و یا سیاسی مجوز تأسیس این آموزشگاه‌ها به هر متقاضی داده می‌شود و با هدف تجاری و به قصد صرفاً درآمد زایی و بدون توجه به عواقب سوء برنامه ریزی و کارشناسی از منابع و مطالب ارائه شده توسط خود کشورهای انگلیسی زبان استفاده می‌کنند. این افراد عمدتاً از اینکه ابزار دست امپریالیسم زبانی هستند آگاهی ندارند و یا در صورت آگاهی هم از آنجا که مانعی بر سر راه نمی‌بینند به راه خود ادامه می‌دهند چون اساساً چاره دیگری ندارند. زیرا کار کارشناسی و برنامه ریزی شده برای آموزش زبان انگلیسی تنها در رشته‌های آموزش زبان انگلیسی درمقطع کارشناسی ارشد و یا دکترا دربرخی دانشگاه‌ها وجود دارد که این افراد در برنامه ریزی و سیاست گزاری مورد حمایت و استفاده قرار نمی‌گیرند.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال ششم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۵

آسیب شناسی آموزش زبان انگلیسی در ایران

همان‌گونه که اشاره شد نظر به کاستی‌ها و کم اثر بودن روند آموزش زبان انگلیسی در نظام آموزش رسمی، بخش خصوصی که در قالب موسسه‌های آموزشی روبه رشد در همه جای کشور در حال گسترش هستند و به یکی از بخش‌های تجاری تبدیل شده‌اند، بیشترین سهم را در گسترش زبان انگلیسی عهده دارند. با توجه به این موضوع، در این بخش از منظر رویکرد انتقادی به آسیب‌شناسی وضعیت کنونی پرداخته می‌شود.

پر واضح است که دلیل بهره‌جویی از این رویکرد در نقد و آسیب‌شناسی شرایط حاضر و اتخاذ راهبرد مناسب به دلایلی چند بازمی‌گردد. نخست آنکه با توجه به تفاوت‌های فضای سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و عقیدتی جامعه ایران به عنوان جامعه‌ای با ویژگی‌های منحصربه فرد خود(برجیان[1]، ۲۰۱۳ ؛ فیلیپسون، ۲۰۱٤) با جوامع مرکز و اهمیت روزافزون مقوله زبان در عصر حاضر به طور عام و زبان انگلیسی به طور خاص، نمی‌توان متصور شد تا از منظری لیبرالی به استقبال این زبان رفت و بر تاثیرات فرهنگی، سیاسی و هویتی آن چشم پوشی نمود. دلیل دیگر آنکه، همانگونه که به اجمال اشاره شد، گرچه صاحبنظران رویکرد لیبرالی بر اهمیت و تاثیرگذاری برنامه‌ریزی و سیاست زبانی در قبال زبان انگلیسی تاکید می‌نمایند (گردول[2]، ۲۰۱۰)، اما تاکید آن‌ها غالباً در هرگونه برنامه‌ریزی در راستای حمایت دولت‌ها بر

1. Borjian
2. Graddol

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

گسترش زبان انگلیسی استوار است که در این بین از هرگونه تدوین راهبردی و یا تصویب قانونی که مانع این روند شود، انتقاد می‌نمایند. این رویکرد با خنثی برشمردن زبان انگلیسی و تبلیغ وجود رابطه‌ای مستقیم بین گسترش این زبان و پیشرفت جوامع، نه تنها بر آموزش آن از سن آغاز تحصیل تاکید می‌کند که حتی آشکارا و یا ضمنی از جمله مناسب‌ترین راهکارها را تغییر زبان نظام آموزش مدارس به زبان انگلیسی معرفی می‌نماید. رد پای این تلاش را می‌توان در آثاری چون کلمن(۲۰۱۰) و گردول(۲۰۱۰) به خوبی جستجو نمود.

لازم به ذکر است نقش آموزش زبان انگلیسی در مدارس و دانشگاه‌ها کارشناسی شده نبوده و با هر پیشنهادی به آن سو گرایش پیدا می‌کنند. متاسفانه اغلب مدرسین زبان انگلیسی در مدارس فاقد تحصیلات آکادمیک مربوط به روانشناسی زبان بوده و بین زبان انگلیسی و معارف دینی و رویکردهای اصیل فرهنگی ارتباطی ایجاد نمی‌کنند. اساساً باور عمومی بر این است که کسانی که در زبان انگلیسی متبحر هستند با اصول مذهبی و یا فرهنگی اصیل ایرانی بیگانه هستند و این دو را مغایر هم می‌دانند. با استفاده از رویکرد اشتیاق به یادگیری زبان و لزوم فراگیری آن می‌توان با استفاده از خلاء احساسی و اخلاقی موجود و بستر آماده در یادگیری هر چیزی که به زبان مرتبط است، زبان انگلیسی را با ارتباط دادن آن به زبان فارسی و فرهنگ کهن و مسائل مذهبی وارد ذهن فراگیران زبان کرد نه با استفاده از موسیقی و فیلم‌های خارجی که در آن فرهنگ غربی و بیگانه اشاعه می‌شود. تغییر رویکرد در استفاده از منابع آموزشی می‌تواند یکی از راهکارهای پیشنهادی در زمینه یادگیری زبان باشد به نحوی که مسیر انحرافی را به نفع آموزش اسلامی به طور نامحسوس تغییر داد.

حتی می‌توان در یادگیری ریاضی، علوم، سیاست، و سایر علوم از زبان انگلیسی استفاده کرد که به تدریج و به صورت ناخودآگاه این زبان بدون نیاز به استفاده از منابع غیر فرهنگی مانند زبان اول فراگرفته شود.

از این رو در نقد وضعیت کنونی و اتخاذ راهبردی مناسب، ضروری است تا با هدف پرهیز از آفات رویکرد لیبرالی، از رویکرد انتقادی به منزله رویکردی که هم بر اهمیت زبان انگلیسی و هم بر تاثیرگذاری‌ها و آسیب‌های آن اذعان دارد و مجهز به پیشنهادها، تمهیدها و تدابیری در سطوح مختلف از برنامه‌ریزی تا آموزش است، استفاده گردد(اکبری، ۲۰۰۸).

بر پایه پژوهش‌هایی چون اکبری (۲۰۰۳)، تفرشی و رمضانی (۲۰۱۲)، پیشقدم و

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

ذبیحی(۲۰۱۲)، پیشقدم و ناجی(۲۰۱۲) و پیشقدم و نواری(۲۰۰۹) دو ساز و کار دانش و مهارت آموزشی و به طور ویژه محوریت زبان و فرهنگ انگلیسی در بین فراگیران و حتی مدرسان زبان انگلیسی بسیار پررنگ و تاثیرگذار است. در چنین شرایطی است که به استناد اکبری(۲۰۰۳) و پیشقدم و ناجی(۲۰۱۲) می‌توان به شکل‌گیری و گسترش امپریالیسم زبان انگلیسی در جامعه ایران در نتیجه روند کنونی گسترش این زبان که با نوعی وابستگی نظام آموزشی ما به جوامع مرکز همراه بوده و در فقدان هرگونه حساسیت زبانی و یا برنامه‌ریزی زبانی واقع بینانه و منطقی دنبال می‌شود، اذعان نمود.

جدای از نحوه نگرش همراه با اقبال فراگیران و مدرسان زبان انگلیسی – به عنوان دو مؤلفه مهم در هر نظام آموزشی– به بار فرهنگی آموزش این زبان، شاهد برجسته دیگر را می‌توان درخصوص مؤلفه کتاب درسی جست که به طور ویژه در بخش خصوصی که وابستگی عمیقی به این گونه منابع و کتاب‌های درسی دارد، مشهود می‌نماید(بحرینی، ۱۳۹۲).

درخصوص عدم تناسب این دسته از آثار با فضای جوامع حاشیه و از آن جمله جامعه ایران، به باور فیلیپسون(۱۹۹۲)، این دسته از کتاب‌های درسی نمادهایی شاخص از امپریالیسم فرهنگی غرب و انتشاردهنده اندیشه‌ها و باورهای این فرهنگ در جوامع دیگرند. گری[1] (۱۵۳:۲۰۰۲) بر این نکته تاکید می‌کند که از جمله نتایج جهانی شدن، تحمیل کتاب‌های درسی تولید شده در جوامع مرکز به کشورهای حاشیه است؛ کتاب‌هایی با گستره‌ای بین المللی که به نحوی فزاینده در حال گسترش‌اند و با این حال چه از لحاظ موضوعی و چه فرهنگی به شدت انحصاری و نامتناسب با فضای جوامع حاشیه، مخصوصاً جوامع اسلامی هستند. کاناگاراجا(۱۹۹۹) نیز با استناد به نمونه‌های متعدد تناسب و روح حاکم بر این دسته از آثار را با فضای فرهنگی و اجتماعی جوامع حاشیه در تعارض و تضاد می‌داند.

برپایه پژوهش‌های موجود دو سازوکار محوریت زبان و فرهنگ انگلیسی و دانش و مهارت آموزشی به عنوان دو رکن مهم در شکل‌گیری امپریالیسم زبانی در بعد آموزش در جامعه ایران و به طور خاص در بین فراگیران این زبان نقشی پررنگ یافته است و این مساله خود ضرورت توجه بیشتر برنامه‌ریزان و سیاست‌گزاران را در خصوص نحوه مواجهه با زبان انگلیسی برجسته‌تر می‌سازد.

1. Gray

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

راهکارهای پیشنهادی

متسودا(۱۵۸:۲۰۰۶) بر این باور است که هرگونه تصمیم‌گیری آموزشی در سطوح مختلف درباره زبان انگلیسی باید با درنظرگرفتن بافت مورد نظر صورت پذیرد. با توجه به این مهم که جامعه ایران به عنوان یک کشور اسلامی با تفاوت‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و ایدئولوژیکی با جوامع مرکز روبرو است و از سویی دیگر بی‌نیاز از این زبان در حوزه‌های مختلف نیست، در این بخش ضروری است تا به تدوین و ارائه راهکاری درخصوص نحوه مواجهه با این زبان با لحاظ نمودن شرایط حاکم در داخل و عرصه جهانی پرداخته شود. با لحاظ نمودن چنین شرایطی است که در اینجا ضمن پرهیز از هرگونه افراط و تفریط، توسل به رویکرد انتقادی به عنوان رویکردی کارآمد معرفی شده و پیش زمینه‌ها، الزامات و پیامدهای بهره‌گیری از آن به ویژه در بخش آموزش به بحث گذاشته می‌شود.

نظر به اهمیت دو سازوکار مورد بحث یعنی توجه به محوریت زبان و فرهنگ و دیگری محوریت دانش و مهارت آموزشی، در این بخش حول این دو، راهکارهایی مبتنی بر رویکرد انتخاب شده به عنوان رویکرد متناسب با جامعه ایران ارائه می‌گردد.

گرچه ارائه راهبردی پاسخگو و جامع، نیازمند بررسی و پژوهش‌هایی همه جانبه نگر می‌باشد و البته ارائه ماحصل چنین بررسی‌ای نیز در این مجال نمی‌گنجد، اما با توجه به اهمیت موضوع و فراهم آوردن پیشنهادهایی با هدف پژوهش‌هایی بیشتر در این حوزه، راهکارهای پیشنهادی ذیل ارائه می‌گردد:

۱) لازم است متولیان سیاست‌گزاری مسائل فرهنگی و آموزشی با نگاهی آینده نگرانه، دستگاه‌ها و نهادهای مربوطه و به طور خاص نظام آموزش و پرورش را در راستای تقویت باورها و آرمان‌های فرهنگی و هوشیاری زبانی جامعه هدایت نماید. تقویت باورها نسبت به کارآمدی زبان فارسی در عرصه‌های مختلف، افزایش توانایی‌های کاربردی دانش آموزان در استفاده از زبان فارسی از یک سو، و از سویی دیگر تلاش نظام مند مجموعه‌هایی چون فرهنگستان زبان و ادب فارسی در راستای ارتقای برنامه‌ریزی در خصوصشان و پیکره این زبان و حتی گنجاندن درسی مستقل و یا اختصاص بخشی از درس زبان فارسی به مقوله هوشیاری زبانی می‌تواند به نوعی ایمن‌سازی جامعه در میان‌مدت و بلندمدت کمک شایانی نماید. بهتر است قبل از گنجاندن زبان انگلیسی در متون آموزشی، از اهمیت یادگیری آن

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

درکنار زبان فارسی و راستای هویت بخشی به زبان مادری صحبت کرد و سپس با استفاده از خود زبان انگلیسی به یادگیری زبان فارسی پرداخت تا از فاصله ایجاد شده بین زبان‌ها جلوگیری کرد. برخلاف نظر برخی متخصصان آموزش زبان که معتقدند از زبان مادری نباید در یادگیری زبان خارجی استفاده کرد، باید از زبان مادری به عنوان ابزاری برای یادگیری زبان انگلیسی استفاده نمود تا مانع ورود فرهنگ غربی با استفاده از مطالب غیر شویم.

۲) ضروری است تا با توجه به اهمیت موضوع، در وهله نخست برنامه‌ای راهبردی درخصوص آموزش زبان انگلیسی در نظام آموزش رسمی در سطح مدارس تدوین و تصویب گردد. این برنامه قاعدتاً باید ضمن توجه به اهداف و مؤلفه‌های نظام آموزش و پرورش کشور با جنبه‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی اسناد فرادستی و از آن جمله سند برنامه درسی ملی، سند نقشه جامع علمی کشور و ... هماهنگ باشد. از سویی دیگر لازم است در تدوین اسناد فرادستی، به چشم اندازها و اهداف پرداخته شود و از ورود به مسائل تخصصی آموزش و فراگیری زبان انگلیسی پرهیز گردد. در این راستا رهبر معظم انقلاب نیز بر اصل طراحی و برنامه‌ریزی برای یادگیری زبان انگلیسی تأکید کرده‌اند و می‌فرمایند: «[البتّه] نمی‌گویم که فردا برویم زبان انگلیسی را در مدارس تعطیل کنیم؛ نه، حرف من این نیست؛ حرف این است که بدانیم چه‌کار داریم می‌کنیم؛ بدانیم طرف می‌خواهد چگونه نسلی در این کشور پرورش بیابد، و با چه خصوصیّاتی».

۳) در چنین راهبردی آموزش مدرسان زبان انگلیسی در دو بخش بسیار اهمیت دارد. نخست افزایش هوشیاری زبانی آنها نسبت به ماهیت زبان انگلیسی در جهان امروز در کنار سوق دادن توجه آنها به پیشینه تاریخی و پیامدهای سیاسی و فرهنگی آن. بی شک این هوشیاری می‌تواند آنها را از مرحله انتقال دهندگان صرف یک زبان به فراگیران فاصله دهد و نقشی برجسته‌تر به آنها اعطا کند. دوم آموزش‌های تکمیلی یا ضمن خدمت مدرسان با هدف دانش‌افزایی و هماهنگ‌ساختن آن‌ها با کتاب‌ها و رویکردهای تدریس، که به طور خاص در سال‌های اخیر و عمدتاً متأثر از به چالش‌کشیدن جریان لیبرالی با تفاوت‌هایی قابل –توجه همراه شده است.

٤) تهیه و تدوین کتاب‌های درسی– که البته روند آن در نظام آموزش رسمی آغاز شده است– از اهمیت بسزایی در روند برنامه ریزی آموزشی و به طور خاص در رویکرد انتقادی

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

برخوردار است. همانگونه که پیش‌تر ذکر شد با توجه به اهمیت کتاب درسی به عنوان مهم‌ترین و غالباً تنها درونداد برای فراگیران در جوامعی که زبان انگلیسی، زبانی خارجی برشمرده می‌شود، اهمیت آن دوچندان است. پرهیز از پرداختن به موضوعات خنثی، توجه به مسائل داخلی و جهانی، بهره‌گیری از ارزش‌ها و مولفه‌های فرهنگ بومی و مواردی از این دست با استفاده از شیوه‌های نوین تهیه و تدوین مواد درسی از جمله راهکارهای عملی است که درخصوص جزییات آن رجوع به آثاری چون آقاگل زاده و داوری(۲۰۱۲ و ۲۰۱٤)، اکبری(۲۰۰۸) و رحیمی و نبی‌لو(۱۳۸۷) راهگشا است. در سایه چنین بومی‌سازی فرهنگی است که می‌توان نه تنها از آسیب‌های فرهنگی ناشی از کتاب‌های مرکز محور کاست، بلکه می‌توان از آن به مثابه ابزاری برای معرفی، بازیابی و تقویت فرهنگ جامعه در بین فراگیران استفاده نمود.

۵) بهتر است نسبت به سن و موقعیت یادگیری زبان انگلیسی تحقیق و تفحص علمی صورت پذیرد. بررسی و تعیین اهداف آموزش زبان انگلیسی در بخش‌های علمی، رسانه‌ای، اقتصادی و غیره می‌تواند به نحوه تصمیم گیری‌های آموزشی در چنین برنامه‌ای جهت بخشد. تصمیم‌گیری درخصوص موضوعاتی تخصصی چون نیازسنجی، سن آموزش، میزان ساعات آموزش، اولویت مهارت‌ها، نوع رویکرد آموزشی، تهیه و تدوین منابع درسی، تربیت مدرس و ارزشیابی از جمله مواردی است که ضمن توجه به اهداف کلی، نگاهی ویژه به امکانات و منابع ساختاری، مادی و انسانی دارد. در اینجا بهره‌گیری از تجارب کشورهای دیگر به ویژه کشورهایی که با رویکرد انتقادی با زبان انگلیسی مواجهه نموده و البته با موفقیت همراه بوده‌اند ضروری است. از جمله این تجارب را می‌توان در آثار محبوب و تیلاکاراتنا[1] (۲۰۱۲) مشاهده نمود.

٦) لازم است کمیته‌ای متشکل از متخصصان آموزشی، روانشناسی، جامعه شناسی، و سیاست تشکیل داد و در تدوین چنین راهبردی در سطح ملی با در نظر گرفتن چالش‌ها و فرصت‌ها و تهدیدها، علاوه بر تعامل با برنامه ریزان آموزشی، ارتباطی تنگاتنگ با متخصصان و صاحبنظران حوزه‌های آموزش زبان انگلیسی، زبان شناسی کاربردی و روانشناسی داشته باشند. به عنوان نمونه به استناد پیشقدم و ذبیحی(۲۰۱۲) درحاشیه نشستن زبان شناسان

1. Mahboob & Tilakaratna

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

کاربردی و متخصصان آموزش زبان انگلیسی در ایران یکی از برجسته‌ترین دلایل رویکرد منفعلانه با زبان انگلیسی و تبدیل جامعه به مصرف کننده صرف محصولات و رویکردهای جوامع مرکز است. همچنین تعامل و نظرخواهی از مدرسان در سراسر کشور و توجه به نظرات آنها به تقویت این راهبرد و همراهی بیشتر آنها خواهد انجامید.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

نتیجه گیری

هیچ زبانی نباید امپریالیستی، جنسی و یا نژاد پرستانه تلقی شود. هر زبانی صرفاً آینه‌ای برای نشان دادن ساختار پشت آن است و می‌بایست همانگونه که پنی کوک پیشنهاد می‌دهد درباره امپریالیسم گفتمان صحبت کنیم. پس اگر زبان انگلیسی در چارچوب "بوم شناسی زبان" به صورت افزایشی فراگرفته شود می‌تواند ابزار مفیدی باشد. شرکت کنندگان به نظرمی رسد این نقطه نظر را به مشارکت بگذارند اما نظرات ایشان نمی‌تواند ساده و همگن تلقی شوند. تمایلی برای تلفیق مدرنیته و سنت وجود دارد و توسط برخی اذعان می‌شود که آشنایی با زبان انگلیسی آنها را توانمند ساخته است. اما این مورد برای تمام زبان آموزان زبان انگلیسی در سراسر جهان صدق نمی‌کند. تحقیقات زیادی لازم است که نگرش افرادی را که از زبان انگلیسی در جهان منتفع نشده‌اند تحلیل کند اما چه کسی در مقابل ممکن است فکر کند که وقت، پول و انرژی‌اش را تلف کرده است.

با در نظر گرفتن نقش زبان انگلیسی به عنوان یک زبان بین المللی، قابل درک است که گویشوران بومی زبان انگلیسی نیز مانند هر جامعه دیگری تمایل دارند که از زبان خود حفاظت کنند. با این وجود، انگلیسی که در سطح بین المللی استفاده می‌شود باید از کشور یا هنجار فرهنگی هر کشوری جدا شود. تحقیقات بیشتری باید بر انگلیسی به عنوان زبان بین المللی انجام پذیرد، چه از انواع دیگر این زبان متفاوت باشد، همانگونه که بروت گریفلر(۲۰۰۲) پیشنهاد می‌دهد، چه تمام انواع زبانی را شامل شود. احتمال اینکه اسپرانتو این امکان را بدهد را نباید نادیده گرفت زیرا زبانی که مزیت‌های روانشناسی را پیشنهاد دهد با احتمال اینکه گویشوران تمام آن زبان‌ها صحبت کنند یکسان است و از نظر سیاسی صحیح است. توانایی هر فرد را، با هر پیشینه‌ای که دارد، برای بروز خودش از طریق زبان بین المللی نباید دست کم گرفت.

در سایه بررسی‌ها و مطالعات موجود و طرح دیدگاه‌های مختلف، دیگر تردیدی وجود ندارد که گسترش زبان انگلیسی و به طور خاص در قالب آموزش زبان انگلیسی با آثار و پیامدهای متعددی مخصوصاً در کشورهای اسلامی همراه بوده است که این آثار در جوامعی که با تفاوت‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و ایدئولوژیکی روبرو هستند، برجسته‌تر می‌نماید. بی‌تردید جامعه ایران به عنوان نمونه برجسته‌ای از یک جامعه اسلامی و حاشیه که از لحاظ

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

تفاوت‌ها با جوامع مرکز فاصله زیادی دارد نمی‌تواند از آسیب‌ها و پیامدهای گسترش این زبان مصون بماند. اما از منظری دیگر، نیاز به این زبان در بخش‌های مختلف خود موضوعی است که نمی‌توان به سادگی از کنار آن گذشت. از این رو در این مقاله با توجه به این دو موضوع مهم، یعنی پیامدهای گسترش زبان انگلیسی از یک سو و توجه به نیاز به این زبان از سوی دیگر، مبتنی بر رویکرد انتقادی راهکارهایی عملی با هدف پرهیز از هرگونه مواجهه منفعلانه چه در رد و یا تأیید بی چون و چرای این زبان ارائه شد. یکی از مهمترین اهداف سیاستگزاران باید مواجهه با هژمونی زبان انگلیسی نه به عنوان یک زبان علمی و بین المللی بلکه به عنوان ابزار امپریالیسم باشد. یکی از این راهکارها نفوذ به خود جوامع انگلیسی زبان با استفاده از تبحر و مهارت بالا در این زبان است که بتوان به صورت تعاملی و جهت معکوس دادن به هجوم افکار غربی، به تزریق افکار اسلامی و اخلاقی از طریق مهارت بالا در زبان انگلیسی و ارائه منابع درسی آموزشی به سایر کشورهای اسلامی و حاشیه نمود. همچنین با تربیت مدرسان زبان انگلیسی متعهد و دلسوز و اعزام آنها برای تدریس زبان انگلیسی به کشورهای حاشیه و سایر کشورهای اسلامی نیز می‌توان به نوعی با این هژمونی جهانی مقابله نمود.

از آنجا که در کشور ایران که زبان انگلیسی زبان خارجی محسوب می‌شود، تنها راه گسترش این زبان از طریق آموزش زبان انگلیسی انجام می‌پذیرد،؛ می‌بایست به راهبردهای ارائه شده در این مقوله توجه ویژه شود. فقدان راهبرد یا برنامه مدون و همه جانبه نگر در خصوص نحوه ارائه آموزش‌های زبان انگلیسی از جمله موضوعاتی است که می‌بایست دربارهٔ آن تحقیقات گسترده‌تری انجام پذیرد تا در روند جهانی شدن راه را گم نکنیم و از آسیب‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و آموزشی و نهایتاً هویت ملی ما جلوگیری بعمل آید. در این راستا لازم است تحقیقات گسترده‌ای توسط پژوهشگران و متخصصین فن انجام پذیرد و نگرش‌ها و باورهای هم زبان آموزان و هم مربیان آموزش زبان انگلیسی مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. همچنین می‌بایست قبل از هر چیزی مزیت‌ها، فرصت‌ها، و تهدیدهای یادگیری زبان انگلیسی و لزوم تسلط به زبان انگلیسی به عنوان زبان علمی بین المللی مورد بحث قرار گیرد و به زبان آموزان اهداف اصلی آموزش زبان انگلیسی را قبل از شروع یادگیری این زبان خاطر نشان نمود. می‌بایست از روش جداسازی زبان‌ها به نیت تسلط به

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

زبان خارجی جلوگیری به عمل آورد. در یادگیری زبان انگلیسی قواعد زبان فارسی و برتری آن نسبت به زبان انگلیسی و سایر زبان‌های خارجی در حفظ هویت ملی و فرهنگی باید در اولویت آموزش زبان قرار بگیرد. اغلب زبان آموزان احساس می‌کنند که زبان انگلیسی به دور از زبان مادری است و یادگیری آن به معنی دور شدن از هویت و زبان مادری است. این وظیفه معلمان زبان و مربیان پرورشی است که این فاصله‌ها را با تدوین منابع آموزش زبان انگلیسی در قالب فرهنگ و سنت ایرانی از بین ببرند. از طرفی نیز توجه به نیاز سنجی زبان آموزان، تربیت مدرسین زبان به شیوه اصولی و آکادمیک، برنامه ریزی آموزشی متناسب با نیازها و اولویت‌های داخلی و نیز در راستای تقویت هویت زبانی و فرهنگی و هوشیاری سیاسی زبان آموزان نیاز به تحقیقات و بررسی‌های علمی بیشتری دارد.

شایان ذکر است که تنها تدوین برنامه‌های راهبردی تنها راه چاره نیست بلکه اجرا و تدوین سند فرادستی با هدف سیاست زبانی که چشم اندازها و اهداف جامعی در راستای پاسداشت زبان فارسی و تقویت آن به عنوان زبان ملی و رسمی و نهایتاً حفظ هویت ملی را در بر دارد اجتناب ناپذیر است. می‌بایست یادآور شد که زبان مادری و زبان‌های قومی و محلی ایران گنجینه‌ای از دانش و فرهنگ ما هستند و می‌بایست از آنها در جهت یادگیری زبان انگلیسی استفاده بهینه کرد.

بعضاً زبان آموزان در حین یادگیری زبان با مشکلاتی مواجه می‌شوند که عمدتاً بخاطر عدم آشنایی کافی با زبان مادری یعنی فارسی است و این باعث می‌شود که نسبت به زبان مادری خود احساس گناه کنند و چون تاکید در یادگیری زبان انگلیسی است و زبان آموزان بیشتر با جزئیات این زبان آشنا می‌شوند تا زبان فارسی، تمایل آنها به زبان انگلیسی نسبت به زبان مادری بیشتر می‌شود و احساس می‌کنند بهتر می‌توانند با آن ارتباط برقرار کنند و در نتیجه تمایل به فرهن گها و آداب و سنن بومی این زبان نیز افزایش می‌یابد و این به دلیل غفلت در اهمیت یادگیری زبان مادری قبل از یادگیری زبان خارجی است. پیشنهاد می‌شود که برنامه ریزان آموزشی به آموزش زبان فارسی بیش از زبان‌های دیگر همت بگمارند و در سیاست‌های آموزشی اهمیت یادگیری زبان فارسی را بگنجانند و به مربیان زبانی نیز آموزش کافی در زمینه گنجاندن قواعد فارسی در کنار قواعد زبان خارجی بدهند.

نهایتاً در متون و بافت‌های آموزشی زبان انگلیسی می‌توان به راحتی با ارائه مطالب

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

آموزنده بر اساس آموزه‌های مذهبی و فرهنگی به طور نامحسوس آموزش‌های لازم تربیتی را به طور موثرتر ارائه نمود و به کشورهای دیگر نیز تزریق کرد. پس می‌توان تهدید هژمونی زبان انگلیسی را به فرصت مفید اشاعه فرهنگ اسلامی و ایرانی تبدیل نمود.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

منابع

آقاگل‌زاده، فردوس و داوری، حسین (۱۳۸۹). «جهانی‌شدن و زوال خرده زبان‌ها و گویشها»، *مجموعه مقالات همایش بین‌المللی گویش‌های مناطق کویری ایران*، دانشگاه سمنان، صص ۴۸-۳۵.

احمدی پور، طاهره (۱۳۹۰).«به سوی چارچوب سیاست زبان ملی»، *زبان شناخت*، سال دوم، شماره ۱، صص ۱۶-۱.

التیامی نیا، رضا و حسینی، علی (۱۳۹٤). «هویت، فرهنگ و سبک زندگی اسلامی در عصر جهانی شدن»، دو *فصلنامه الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی*، صص ۱۰۹-۱٤۲.

بحرینی، نسرین (۱۳۹۲). «تحلیل ارزشهای فرهنگی در کتابهای آموزش زبان انگلیسی»، *راهبرد فرهنگ*، شماره ۲۲، صص ۱۸۳-۱٦۳.

تفرشی، آ. و رمضانی، ا. (۱۳۹۱). «نقش فرهنگ در آموزش زبان خارجی»، *پژوهشنامهٔ انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، شماره ۱۲، صص ۳٤-۱۵.

رحیمی، مهرک و نبی‌لو، زهرا (۱۳۸۷). «جهانی‌شدن و ضرورت اصلاح دوره‌های آموزش زبان انگلیسی در ایران؛ چالش‌ها، فرصت‌ها»، *نشریه فناوری و آموزش*، سال سوم، شماره ۲، صص ۱۲٤-۱۱۵.

قهاری، شیما (۱۳۹۲). «تأثیر رشتهٔ زبان انگلیسی بر هویت فرهنگی: بررسی مقایسه‌ای هوش فرهنگی و انزوای ارزشی»، *پژوهش‌های زبانشناختی در زبان‌های خارجی*، شماره ۲، دوره سوم، صص ۲۸۷-۳۱۲.

محسنی تبریزی، ع (۱۳۸۱). «آسیب شناسی اجتماعی -فرهنگی: بررسی انزوای ارزشی در دانشگاه‌های دولتی تهران»، *نشریهٔ پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، شماره ۲٦، صص ۱۱۹-۱۸۲.

Akbari, R. (2003). Silent Hegemony: ELT as Linguistic Imperialism in Iran. *Paper Presented at the Second Conference on Issues in English Teaching in Iran*

Borjian, M. (2013). *English in Post-Revolutionary Iran*. Bristol: Multilingual Matters.

Campbell, L. (1997). *The Sapir-Whorf hypothesis*. Retrieved from http://venus.va.com.au/suggestion/sapir.htm

Canagarajah, A. S. (1999). *Resisting Linguistic Imperialism in English Teaching*. Oxford: Oxford University Press.

O'Neil, D. (2005). *Language and culture: An introduction to human communication*. Retrieved from the web http://anthro.palomar.edu/language.

Wardhaugh, R. (2002). *An introduction to sociolinguistics*. Oxford: Blackwell Publishers.

Coleman, H. (2010). *English in Development*. London: British Council.

Crystal, D. (1997). *English as a Global Language*. Cambridge: Cambridge University Press.

Davies, A. (1996). Ironising the Myth of Linguicism.*Journal of Multilingual and Multicultural Development*. 17 (6). 485-96.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

Dua, H. (1994). *Hegemony of English*. Maysore: Yashoda Publications.

Galtung, J. (1971). A Structural Theory of Imperialism. *Journal of Peace Research*. 8(2). 81-117.

Graddol, D. (2010). *English India Next*. London: British Council.

Gumperz, J. (1996). *On teaching language in its socio-cultural context. In D. Slobin*,

Gray, J. (2002). The Global Coursebook in English Language Teaching. In D. Block and D. Cameron (Eds), *Globalization and Language Teaching* (pp. 151-167). London: Routledgee.

Holliday, A. (2005). *The Struggle to Teach English as an International Language*. Oxford: Oxford University Press.

Johnston, B. (2003). *Values in English Language Teaching*. Mahawah, NJ: Lawrence Erlbaum Association.

Hinkel, E. (2005). *Culture in second language teaching and learning*.United States of America: Cambridge University Press

Giddens, A. (1998). *Sociology. Palo Alto*, CA: Stanford University Press.

MacCabe, C. (1985). English Literature in a Global Context. In R. Quirk and H. Widdowson (Eds.). *English in the World: Teaching and Learning the Language and Literatures* (pp. 11-30). Cambridge: Cambridge University Press.

Macedo, D., Gounari, P. and Denderinos, B. (2003). *The Hegemony of English. Paradigm Publishers*.

Mahboob, a. and Tilakaratna, N. (2012). *A Principle-based Approach for English Language Teaching Policies and Practices*. TESOL International Association, online at: http://www.tesol.org/docs/pdf/a-principles-based-approach-for-english-language-teaching-policies-and-practices-.pdf?sfvrsn=0

Nunan, D. (2003). The Impact of English as a Global Language on Educational Policies and Practices in the Asia-Pacific Region. *TESOL Quarterly*. 37(4). 589-613.

Pennycook, A (2010). English and Globalization. In J. Maybin and J. Swann, (Eds). *The Routledge Companion to English Language Studies* (pp. 113-121). London: Routledge.

Pennycook, A. (1998). *English and the Discourse of Colonialism*. London: Routledge.

Pennycook. A. (2007). *Global Englishes and Transcultural Flows*. London: Routledge.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

Phillipson, R. (1992). *Linguistic Imperialism*. Oxford: Oxford University Press.

Phillipson, R. (2009). *Linguistic Imperialism Continued*. London: Routledge.

Phillipson, R. (2014). Reflections by Robert Phillipson on English in Post-revolutionary Iran: from Indiginazation to Internationalization. *International Journal of Society, Language and Culture*. 2(1). 131-137.

Pishghadam, R. and Zabihi, R. (2012). Crossing the Threshold of Iranian TEFL. *Applied Research in English*. 1 (1). 57-71.

Pishghadam, R. & Naji, E. (2012). Applied ELT as a Panacea for Linguistic Imperialism. *Iranian EFL Journal*. 1.35-50.

Pishghadam, R. & Navari, S. (2009). *Cultural Literacy in Language Learning: Enrichment or Derichment*. Paper Presented in International Conference on Languages. Malaysia.

Sapir, E. and Whorf, B. (1958). *Culture, language and personality*. Berkeley, CA: University of California Press.

Horibe، H (2008). *The place of culture in teaching English as an international language (EIL)*. JALT Journal، Vol. 30، No.2

Tsuda, Y. (2002). The Hegemony of English: Problems, Opposing Views, and Communication Rights. In G. Mazzaferro (Ed.), *The English Language and Power* (pp. 19-31). Alessandria. Italy: Edizionoi dell'Orso.

Tsuda, Y. (2010). Speaking against the Hegemony of English: Problems, Ideologies, and Solutions. In T. K. Nakayama & R. T. Halualani (Eds.), *The Handbook of Critical Intercultural Communication* (pp. 248-269). West Sussex. UK: Wiley-Blackwell.

Wilson, R. (2005). *Imposition or Adoption? The Globalization of ELT Practices*. Unpublished, MA assignment. University of Essex.

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۶۰۳۰۳

به این مقاله این‌گونه استناد کنید:

حسینی، منیرالسادات (۱۳۹۵)، «امپریالیسم زبانی یا زبان امپریالیسم: ضرورت مواجهه با هژمونی زبان انگلیسی در کشورهای اسلامی» *فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، س۶، ش۳، پاییز ۹۵، صص ۷۵-۴۳.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]